



پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَجَلَّى لِدَايَتِهِ بِدَايَتِهِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى شَوَاهِدِ صِفَاتِهِ وَ
مُظَاهِرِ تَجَلِّيَاتِهِ سَيِّمًا سَيِّدِ الْكُونِينَ وَ جَامِعِ الْمَرْتَبَتِينَ وَ قَائِدِ النُّشُوتِينَ
وَ خُلَاصَةَ الْعَالَمِينَ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، مَرَائِي صِفَاتِهِ الْعُلْيَا
وَ شَوَاهِدِ أَسْمَائِهِ الْحُسْنَى صَلَاةُ تُوَازِي حَقَّقَ إِرْشَادِهِمْ وَ تُكَافِي جَزَاءَ
إِحْسَانِهِمْ وَ إِرْفَادِهِمْ.

در هندسه معارف اسلامی، اسمای الهی با تجلی از مقام اطلاق و وحدت در مراتب قوس نزول وجود، تعینات و کثرات هستی را شکل می‌دهد و سپس در قوس صعود، حرکت استکمالی از کثرت و تعینات به سوی وحدت باز می‌گردد: ﴿كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾^۱ پس هر آنچه کثیر دیده می‌شود، در دل آن، وحدت ساری است که ﴿وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ﴾^۲ و هستی با همه کثراتش و با تمام جلوه‌گری‌های خود، گویای سرّ وحدت است.

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

خدای سبحان خالق هستی و هدایتگر همه موجودات در جهت تحقق کمالات آن‌هاست: ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۳ و در این مسیر، هدایت و کمال ثانوی هر موجودی

۱. «همان‌گونه که در آغاز شما را آفرید (بار دیگر در رستاخیز) باز می‌گردید» (اعراف: ۲۹).

۲. «و فرمان ما جز فرمان واحدی نیست» (قمر: ۵۰).

۳. «گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده است، بخشیده؛ سپس رهبری‌اش کرده است» (طه: ۵۰).

درجهت خلقت اوست. انسان، در این مسیر استکمال، علاوه‌بر هدایت تکوینی و سیر وجودی که همچون موجودات دیگر هستی در کمالات اولی و ثانوی خود دارد، نیازمند هدایتی تشریحی نیز هست که در قالب ارسال رسولان و انزال کتب الهی برای او محقق شده است و از آنجا که خالق هستی، خود قانون‌گذار نظام انسانی است، تطابق کاملی بین نظام تشریح الهی با نظام هستی و تکوین وجود دارد.

درواقع، هدایت تشریحی بر متن هدایت تکوینی منطبق شده است و این تطابق از اسرار الهی است. انبیا و اوصیا و اولیای الهی، این راز سربه‌مهر را قدری آشکار کرده‌اند تا بتوان از هرکدام از این دو، با هدایت الهی به تبیین و تفسیر دیگری پرداخت و رشته وحدت و سنخیت بین تکوین و تشریح را یافت. این وحدت و سنخیت، برمبنای تفسیری فطری و الهی از هستی و عالم وجود است. تفسیری که افق‌های جدیدی از نگاه به علوم و معارف را برای انسان گشوده و راز آشنایی انسان با هستی و اسرار آن را می‌نمایاند. این آشنایی از درون وجود انسان نشئت می‌گیرد و با تفسیر انفسی به سیر آفاقی می‌رسیم: «سُرُّهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ^۱» و «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ^۲».

با نگاه الهی به عالم وجود می‌توان سرنخ‌هایی از حقایق تشریح را با هدایتگری اولیای الهی پیدا کرد. حقایقی که با توجه جدی به اصل قرآنی تطابق تکوین و تشریح، راه‌های جدیدی در معارف و علوم می‌گشاید و ریشه‌های معارف را تا عمق نظام هستی می‌گستراند و تفسیری فطری از هستی و تشریح به دنبال می‌آورد؛ البته با هدایت اولیای الهی باید از محکمت آغاز کرد تا متشابهات رخ نماید.

ازجمله مباحث تطابق نظام تکوین و تشریح، بحث زوجیت، رجم و خانواده است. الگوی رحم و خانواده برمبنای حب ذات و توسعه من در نظام طبیعی وجود، قرار

۱. «به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا آشکار گردد که او حق است. آیا کافی نیست که او بر همه چیز شاهد و گواه است» (فصلت: ۵۳).

۲. «آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، مسخر شما کرده است» (لقمان: ۲۰).



داده شده است تا کثرات عالم وجود، به سمت وحدت حرکت کنند: ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا رَجُلًا﴾^۱ انسان هم در این مسیر (مطابق همه هستی)، در حرکت به سوی وحدت، از فردیت‌ها و مرزهای موهوم تن و خودمحوری‌های مضموم، خارج می‌شود. درحقیقت کثرت ابدان، مانع وحدت حرکت و تحقق «من شامل» و توسعه‌یافته‌ی انسان نمی‌شود و در مسیر «توسعه‌ی من»، از تفرقه و کثرت، به سوی وحدت و جمعیت سوق پیدا می‌کند.

این سیر «توسعه‌ی من» از «من فردی» به «من شامل جمع»، یک حرکت توحیدی است که در متن سنت تکوینی خلقت و به‌طور خاص، در سنت خانواده‌ی انسانی قرار داده شده است. رحم، ظرف تحقق این توسعه‌ی وجودی است و از تجلیات و اسباب مؤکد وحدت و سنخیت‌سازی بین افراد انسان است. این توحد، ابتدا از وحدت در رحم طینی آغاز می‌شود: ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾^۲ و به وحدت گسترده‌تری در رحم ولایی و نظام روحی می‌رسد: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۳.

قرب و بُعدها نیز با این میزان سنجیده می‌شود و صلۀ رحم و عاق رحم، حول محور رحم ولایی، متعالی شده و وحدت شدیدتری آشکار می‌شود. این همان صراط مستقیم و باب منحصر رحم وجودی رحمانی است که نهایت توحید و قرب است و با فقر مطلق وجودی، خود را می‌نمایاند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۴.

از این جهت، سیر حرکت توحیدی با تشکیک وجودی از رحم طینی و خانواده‌ی جسمانی به رحم ولایی و خانواده‌ی ایمانی می‌رسد و با حرکت کاروانی (به پرچم‌داری ولی الهی) به پیشگاه رحم رحمانی وجود، بار می‌یابد و مراحل سلوک توحیدی را طی می‌کند. در این سیر، حلقه‌ی اتصال رحم طینی به رحم رحمانی، فقط رحم ولایی است که جسم و روح را به قرب توحیدی می‌رساند. ظهور تام رحم ولایی در هیئت‌ها

۱. «و از هر چیز دو زوج آفریدیم» (ذاریات: ۴۹).

۲. «همه شما را از یک انسان آفرید» (نساء: ۱).

۳. محمد بن علی بن شهرآشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۰۵.

۴. «ای مردم! شما (همگی) نیازمندان به خدا هستید. تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است» (فاطر: ۱۵).



جلوه می‌کند: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾.^۱ مودت، بروز و اظهار محبت به اهل بیت علیهم السلام است و هیئت، نماد کاملی از آن است.

البته هر جا تکلیفی هست، خدای سبحان درقبال آن، حقی را هم قرار داده است؛ از این رو در قرآن می‌فرماید: ﴿مَا سَأَلْتَكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوَ لَكُمْ﴾؛ «هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام، برای خود شماس» (سبأ: ۴۷). حتی در رحم رحمانی هم با اینکه رابطه آن براساس اضافه اشراقی و خلق الهی است، باز خدای سبحان با کرم خود، هر تکلیفی را درقبال حقی و اجری قرار داده است. از جمله تکالیف ما در ارتباط با رحم رحمانی، عبودیت و اطاعت است که درقبال آن، نعمت ربوبیت و ولایت حق تعالی و اولیای الهی نسبت به ما قرار دارد. این مسئله باعث سرعت رشد قرب الی الله در وجود ما می‌شود: ﴿إِلَّا إِنْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛^۲ «کفی پی عزاً أَنْ تَكُونَ لِي رِبًّا وَ كَفَىٰ بِي فَحْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا».^۳



در پایان، به مناسبت اینکه دغدغه این رساله با فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام در میلاد حضرت زهرا علیها السلام آغاز شد و در ایام فاطمیه به انجام رسید و نیز باتوجه به اینکه حضرت زهرا علیها السلام، هم در نظام رحم طینی و رحم ولایی و هم در رساندن به رحم رحمانی، موفق‌ترین الگوی محقق شده هستند، نکته‌ای درمورد مقام «ام اییها» بودن ایشان بیان می‌کنیم:

شاید بهترین تعریفی که در قرآن کریم درمورد زن وارد شده، آیات سوره کوثر است. در این سوره، درمورد اعطای فاطمی علیها السلام به حضرت نبی ختمی صلی الله علیه و آله آمده است: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾.^۴ وقتی اعطای خاص نامتناهی حضرت حق به نبی ختمی صلی الله علیه و آله در کار است، شکر نامتناهی جامعی را می‌طلبد و به

۱. «بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم؛ جز دوست داشتن نزدیکانم» (شوری: ۲۳).

۲. «آگاه باشید اولیا (و دوستان) خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند» (یونس: ۶۲).

۳. مسعودبن عیسی وزام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (معروف به مجموعه وزام)، ج ۲، ص ۱۱۱.

۴. کوثر (۱۰۸): ۱-۳.

همین جهت، به نماز امر می‌شود که عبادت جامعه و جامع جمیع عبادات و مناسک است. «فَضْلٌ» اشاره به مقام «فنا» و نیز «وَأَنْحَزُ» اشاره به مقام «فَنای عن الفناء» است که در این مقام انیت و انانیت، به‌کلی قربانی و مقام «بقاء باللّه» حاصل می‌گردد.^۱

مقام وجودی حضرات معصومین علیهم‌السلام، ظهور و «تفصیل بعد تفصیل»، در مقام ظهور وجود است که واسطه فیض در قوس نزول و صراط وجودی در قوس صعود هستند. واسطه بروز این تفصیل از مقام اجمال حضرت رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مقام تفصیل، حضرت زهرا علیها‌السلام است. همه کمالات در قوس نزول و صعود به‌واسطه حضرت زهرا علیها‌السلام در مقام تفصیل حضرات معصومین علیهم‌السلام بروز و ظهور می‌یابد: «إِنَّ ذَكَرَ الْحَيِّزِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فِزَعَهُ وَ مَغْدِنَهُ وَ مَأْوِيَهُ وَ مُنْتَهَاهُ».^۲

بنابر آنچه گفتیم، می‌توان گفت که دین اسلام، «محمدی‌الظهور و فاطمی‌البقاء» است و حضرت فاطمه علیها‌السلام در مقام تفصیل و بروز و ظهور حقایق وجودی نبی ختمی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ام ابی‌هاست و «کوثر» وجودی الهی است که به رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعطا شده است. این کوثر تا یوم‌القیامة جاری و ساری است و تَلَأُوْ دارد و سبب ارتباط با این حقایق نوریه (در دایره رحم ولایی) و رسیدن به رحم‌رحمانی است.

پس از این تقدیم معرفتی، نکاتی پیرامون تدوین این کتاب عرضه می‌شود:

۱. کتاب پیش‌رو که با عنوان «اهل‌بیتی‌ها» نام‌گذاری شده است، تبیین سیروسفر الهی را از خانه و خانواده رحم‌ظاهری (که «اهل‌بیت» طینی انسان است) آغاز می‌کند و به «بیت‌الولایه» و رحم‌ولایی یعنی «اهل‌بیت علیهم‌السلام» در نظام ولایی می‌رسد؛ و از آنجا نیز به رحم‌رحمانی توجه می‌کند. این سیر، حرکتی وجودی و توحیدی است. نگارش این کتاب برای اطاعت و اجابت دعوت رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در مورد مسئله خانواده (در اواخر سال ۱۳۹۷) است. ایشان به‌مناسبت میلاد حضرت زهرا علیها‌السلام در ملاقات با جمعی

۱. محمدرضا ربانی، کوثر ربانی، ص ۸-۹.

۲. زیارت جامعه کبیره (محمد بن علی بن بابویه قمی شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶).



از مداحان کشور تذکر دادند که در هیئت‌ها به موضوع خانواده پرداخته شود؛ زیرا دشمن برنامه دقیق برای آن دارد؛

۲. باتوجه‌به اینکه بحث‌ها به‌صورت سخنرانی بود، سعی شده است، لحن و ادبیات خطابی و گفتاری تا حدودی حفظ شود و بین سادگی گفتار و عمق معرفتی بحث، جمع شود؛

۳. به دلیل اینکه مباحث در مجالس مختلف بوده است و مخاطبان آن سطوح متفاوتی داشته‌اند، تفاوت‌هایی از جهت سطح بحث در بعضی از قسمت‌ها مشاهده می‌شود؛ اگرچه این مسئله تا حدود زیادی در نگارش برطرف شده است؛

۴. مطالب این کتاب برای استفاده عمومی مخاطبان اهل مطالعه در نظر گرفته شده است؛ ولی باتوجه‌به فرمایش رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، درمورد مطرح شدن موضوع خانواده در مجالس و هیئت‌ها، شاید بن‌مایه‌هایی برای شاعران اهل بیت علیهم‌السلام و مداحان و مرثیه‌سرایان عزیز و سخنوران محترم نیز داشته باشد؛

۵. از مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و مسئولان محترم آن و همچنین محققان محترم مرکز، به‌ویژه آقای محسن خلیل‌آزاد که زحمت اصلی تدوین محتوا را به‌عهده داشتند، تشکر می‌کنیم. همچنین از آقای علی جعفری هُرستانی که تنظیم نهایی و ویرایش علمی اثر را عهده‌دار بودند و از اعضای هسته «احیای امر» مرکز رشد و نیز مسئولان مجموعه نشر معارف، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم؛ به‌ویژه آقای پیرمردیان و حجت‌الاسلام علیجان‌زاده که زحمات دلسوزانه بسیاری در چاپ و نشر کتاب عهده‌دار شدند.

۶. از خداوند متعال می‌خواهیم، همه دوستان را در نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام بیش‌ازپیش موفق گرداند.

امیدواریم چنان‌که هرگونه قصور و کمبودی در این کتاب مشاهده کردید، ما را از نقد مشفقانه خویش محروم نفرمایید تا این‌شاء‌الله بتوانیم در ویرایش بعدی کتاب یا در مطالب بعدی، این نقیصه‌های احتمالی را جبران کنیم.

با عنایت الهی، امید است این کتاب در ترویج فرهنگ خانواده و فرزندآوری (در مرتبه رحم‌طینی) و توجه بیشتر خانواده‌ها به هیئت‌های مذهبی (محل ارتباط با رحم



ولایی در راستای رحم رحمانی) نقشی داشته باشد و سبب ارتباط بیشتر خانواده‌ها با خداوند و توسعه «من» و فرهنگ محبت و ولایت باشد و از این جهت، دوست‌داران ولایت به آن عنایت کنند.

خداوندا با فقر و گدایی به پیشگاه عزت و عنایت تو و به آستان ولایت مقربان درگاہت آمدم. بدین درگاه بارمان ده و کاسه گدایی ما را از جام رحمانیت و رحیمیت خویش، لبریز کن! آمین یا رب العالمین.







مقدمه

در نگاه اسلامی، خانواده، سنگ بنای شکل‌گیری جامعه است. افراد در زندگی خانوادگی، روابط ولایی و ایمانی میان ارحام را تمرین می‌کنند. روابط اجتماعی مطلوب و توسعه‌یافته، روابط خانوادگی است؛ بنابراین، قوت و استحکام روابط ایمانی و ولایی در جامعه اسلامی، با میزان استحکام و قوت بنیان خانواده رابطه مستقیم دارد.

در طول تاریخ، یکی از راه‌های مقابله جریان شرک و کفر با رواج ایمان و دین‌داری و حاکمیت الهی، ترویج فساد و بی‌بندوباری و به‌طور خاص، هدف قرار دادن بنیان خانواده بوده است. در دوران معاصر ما نیز جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم، بیش از صد سال است که به دنبال به چالش کشیدن جریان خانواده و رواج فساد و بی‌بندوباری است و در پی آن است که جمعیت مسلمانان را کاهش دهد و نسل شیعه را کمتر کند. این جریان، منحصر به مقابله طاعت با جامعه اسلامی ما هم نیست؛ بلکه آن‌ها به دنبال مقابله با خانواده برای از بین بردن بنیان بشریت و فطرت انسانی هستند.

در کشور ما هم این سیاست استعماری و شیطانی، از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب دنبال شده است. دشمن، از آن زمان‌هایی که ما در خواب بوده‌ایم، درحال برنامه‌ریزی بوده و امروز نیز از راه تضعیف خانواده، درصد نفوذ و ضربه زدن به جامعه اسلامی و انقلاب اسلامی ماست.

مسئله خانواده در کشور ما مسئله‌ای بسیار جدی است. کاهش چشمگیر آمار ازدواج و درمقابل، افزایش طلاق^۱، افزایش میانگین سن ازدواج در کشور^۲ و ...، حرکت به سمت یک بحران در آینده را تأیید می‌کند. کاهش و تأخیر ازدواج که به دلایل مختلفی رخ داده است، فساد جامعه را به دنبال دارد؛ چراکه از طرفی میانگین سن ازدواج بالا رفته و ازدواج به تأخیر افتاده است و از طرف دیگر، نیاز طبیعی جنسی و عاطفی و تمایل به جنس مخالف همواره وجود دارد و حقیقتی انکارناپذیر است؛ بنابراین اگر مسیر مشروع ازدواج در جامعه کم‌رنگ شود، سبب گسترش روابط نامشروع میان دختران و پسران جامعه می‌شود. این مسئله، خشم و غضب الهی را به دنبال خواهد داشت که یکی از عواقب این خشم الهی، کم شدن نزول رحمت حق بر ماست.



نیازهای جنسی، عاطفی و روانی زن و مرد به یکدیگر، لازمه طبیعت مکمل این دو و از مظاهر حکمت بالغه الهی در خلقت انسان است که برای بقای نسل و همچنین رشد و تعالی مادی و معنوی انسان‌ها و جامعه انسانی ضروری است. نمی‌توان از این نیاز طبیعی انسان چشم‌پوشی کرد یا آن را به دست فراموشی سپرد؛ از این رو وقتی در جامعه‌ای ارتباطات مشروع، در پرده حیا و عفاف و در بستر ازدواج و تشکیل خانواده محقق نشود، در مسیر غیر مشروع و روابط غیراخلاقی دنبال می‌شود. ممنوعیت روابط آزاد دختر و پسر و حرمت آن، حکم دین و خط قرمز ماست و تنها راه مقابله با این ولنگاری، تسهیل ازدواج و تکریم خانواده است. ما باید با فرهنگ‌سازی و فراهم

۱. طبق گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۲ در کشور، در برابر هر ۱۵/۸ ازدواج، یک طلاق صورت می‌گرفت. در سال ۱۳۸۰، در هر ۱۰/۵ ازدواج، یک طلاق و در سال ۱۳۹۰ در هر ۶/۱ ازدواج، یک طلاق ثبت شده است؛ اقا در سال ۱۳۹۷، در هر ۳/۱ ازدواج، یک طلاق روی داده است! البته باید توجه داشته باشیم که این آمار، میانگین کشوری است؛ در حالی که این آمار در شمیرانات و تهران، نزدیک به هم است (پایگاه اینترنتی مرکز آمار ایران: <https://www.amar.org.ir>، ۱۳۹۸/۱۲/۰۶).

۲. به گزارش مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۴۵، میانگین سن اولین ازدواج در پسران ما ۲۵ و در دختران ۱۸/۴ سال بوده است. این عدد در سال ۱۳۹۵، در پسران به ۲۷/۴ و در دختران به ۲۳ سال رسیده است؛ یعنی طی نیم قرن اخیر، میانگین سن ازدواج پسران ۲/۴ سال و میانگین سن ازدواج دختران ۴/۶ سال افزایش داشته است! (همان، ۱۳۹۷/۰۶/۱۳).

کردن مقدمات و شرایط ازدواج آسان، سن ازدواج را کاهش دهیم. همچنین برای بالا بردن آمار ازدواج تلاش کنیم و با ارتقای ارزش‌ها و اخلاق خانواده، آمار طلاق را نیز کاهش دهیم.

افزایش فاصله بین سن بلوغ و سن ازدواج جوانان، باعث فساد و متلاطم شدن جامعه می‌شود و در نهایت سبب متلاشی شدن خانواده‌ها نیز می‌گردد؛ بنابراین هرکدام از ما که به طریقی در این مسئله دخیل باشیم و با رفتارهای خود سبب به تأخیر افتادن ازدواج شویم، در این عواقب، سهیم و شریک شده‌ایم و باید پاسخگو باشیم! از کسانی که می‌توانند در سیاست‌گذاری مسئله خانواده تسهیل ایجاد کنند یا با واسطه‌گری یا حمایت مالی و مشورتی در تسهیل امر ازدواج یا کاهش طلاق مؤثر باشند، تا کسانی که می‌توانند مبلغ و مروج فرهنگی این امر باشند؛ اما توان خود را در این راه به کار نبرده‌اند، همه مسئول هستند و باید در درگاه الهی پاسخگو باشند.

پدر و مادری که با سخت‌گیری خود مانع تسهیل ازدواج می‌شوند نیز نه تنها نسبت به فرزندان خود؛ بلکه نسبت به کل جامعه و نسل‌های آینده مسئول هستند و مؤاخذه می‌شوند. همچنین دختر و پسری که شرایط ازدواج را دارند؛ اما حاضر به پذیرش مسئولیت زندگی و تشکیل خانواده نمی‌شوند، فقط به خودشان ضرر نمی‌زنند؛ بلکه باعث ایجاد اختلال و آسیب در جامعه شده‌اند. آن‌ها نیز با این کار، به سهم خود، به ترویج فرهنگ خانواده‌گریزی و ضدارزش شدن ارزش انسانی و الهی تشکیل خانواده، کمک کرده‌اند؛ بنابراین هم از نظر الهی و توحیدی و هم از نظر اجتماعی و اقتصادی، اختلال ایجاد کرده‌اند.

بنابر آنچه گفتیم، برای اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد و روابط نامشروع و آسیب‌های مختلف اجتماعی و از همه مهم‌تر، کسب رضای الهی، باید هسته اولیه و زیربنای اجتماع که خانواده است، اصلاح شود. اگر در سن مناسب و پیش از گرفتاری جوان در دام گناه، محبت‌ها جوشید و خانواده شکل گرفت، خانواده‌ای معتدل شکل می‌گیرد که ولایت‌مداری و ارتباط با خدا نیز می‌تواند در آن خانواده ایجاد شود.



در این زمینه، وظیفهٔ مبلغان و کسانی که تربیون و رسانه در اختیار دارند، بسیار سنگین است. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام به مداحان جامعه فرمودند:

به‌خصوص من تکیه می‌کنم، در این برهه از زمان، روی مسئلهٔ خانواده تکیه کنید! دشمن - نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب؛ دشمن بشریت - تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت، یعنی جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم، تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ و یک جاهایی موفق شدند! در آن جاهایی که از خدا دور بودند، موفق شدند. در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ما موفق نشدند؛ اما دارند تلاش می‌کنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندآوری کم، این به تعبیر غلط زشتشان «ازدواج‌های سفید» - که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است! - همهٔ این‌ها به‌خاطر این است که خانواده از بین برود. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز جزء برنامه‌های دشمن است.^۱

ایشان در ادامه، خطاب به مداحان و دست‌اندرکاران هیئت‌های مذهبی فرمودند:

شما مبارزه با این‌ها را جزء برنامه‌های خودتان قرار بدهید. طهارت و پاکیزگی دامن جوان‌های این کشور را مورد همت خودتان قرار بدهید؛ بر آن همت بگمارید، و این یکی از بهترین کارها و یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای حفظ انقلاب و برای رشد انقلاب و برای حفظ نظام اسلامی است.^۲

برای جلوگیری از بحران خانواده، نهادها و افراد مختلفی می‌توانند فعالیت کنند و تأثیرگذار باشند و هرکس در حدّ توان و امکاناتی که در اختیار دارد، مسئول است و باید اقداماتی را انجام دهد؛ اما در بیان ایشان، این تکلیف به‌طور ویژه‌ای، متوجه مداحان و هیئت‌های مذهبی شده است. این مسئله، به این دلیل است که بستر هیئت‌ها،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۷.

۲. همان.



بستر ممتازی است و عمقی راهبردی در نسبت و تعامل هیئت و خانواده وجود دارد. پرداختن به این بحث و تبیین اهمیت و جایگاه خانواده در نگاه اسلامی، جهادی فرهنگی نیز به‌شمار می‌رود؛ چراکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام:

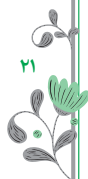
یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، فرهنگ رزمندگی و جهاد است. جهاد هم فقط به‌معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هر گونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند؛ اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که جهاد رزمی نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که جهاد سیاسی نامیده می‌شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به جهاد فرهنگی تعبیر می‌شود؛ و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن جهاد سازندگی اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوان‌های دیگر و در میدان‌های دیگر هم هست...^۱

ما دشمن داریم و دشمنان ما از لحاظ نیروی مادی، قوی هستند. اطراف و جوانب ما را، از همه‌جهت، دشمنان گرفته‌اند. آن‌ها در دشمنی با ایران اسلامی جدی هستند و سر شوخی ندارند؛ چون می‌خواهند از هر راهی که شد، ضربه بزنند. پس در ایران اسلامی، هرکس به‌نحوی در مقابل دشمن - که از اطراف، تیرهای زهرآگین را به پیکر انقلاب و کشور اسلامی نشانه رفته است - تلاش می‌کند، «جهاد فی سبیل‌الله» کرده است.^۲

آنجایی که کار و تلاش ما برای انجام کارهای روزانه باشد (هرچند کارهای خیر)، لزوماً جهاد نیست؛ اما اگر کار و تلاش در مقابله با دشمن و برای به خاک مالیدن بینی او انجام شود، نبرد شکل می‌گیرد. پس شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تاریخ ۱۳۷۵/۰۳/۲۰.

۲. همان.



کوشش باشد؛ و شرط دوم این است که درمقابل دشمن صورت گیرد. به‌طورکلی در نگاه دین، به تشخیص نقطه‌ضعف خود و شناسایی نقاط قوت دشمن و تلاش برای برطرف کردن آن، جهاد گفته می‌شود. البته همه این‌ها زمانی است که این تلاش و مبارزه درمقابل دشمن، با نیت الهی و فی‌سبیل‌الله باشد.

با این نگاه، حمایت از خانواده و تلاش برای آسیب‌شناسی روابط خانوادگی و یافتن راه‌حلهایی برای آن، و نیز مقابله با دشمن در این مسیر، جهاد است. از این‌رو اگر کسی از مداحان و سخنرانان و هیئت‌ها، امروز به دنبال جهاد است و می‌خواهد، جهاد را از پرچمدار جهاد فرا بگیرد، باید به موضوع و جریان خانواده بپردازد و عظمت و تحکیم خانواده را در مجالس امام حسین علیه‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام مطرح کند؛ همچنین با برنامه‌ریزی و ارائه راه‌حل برای مشکلات و آسیب‌هایی که خانواده‌ها را تهدید می‌کند، تلاش و کوشش کند. به‌ویژه اینکه امر ولی‌فقیه معظّم زمان ما نیز به آن تعلق گرفته است و ایشان برای همه کسانی که می‌توانند در زمینه احیا و ارتقای ارزش و جایگاه اصیل خانواده تلاش کنند؛ تعیین تکلیف فرموده‌اند. البته این مسئله را به‌طورخاص به گروه مداحان و سخنرانان و تشکیلات هیئت‌های مذهبی گوشزد کرده‌اند. ما نباید فرمایش‌های ایشان را در حدّ توصیه اخلاقی بگیریم. وقتی ایشان در دیدار سالانه مداحان و برگزارکنندگان مجالس اهل‌بیت علیهم‌السلام به این مسئله پرداخته‌اند، باید آن را به‌معنای سیاست‌های کلان و کلی ولی‌فقیه برای جریان هیئت‌های مذهبی و مداحان و سخنرانان تلقی کنیم.

در رابطه بین هیئت و خانواده، می‌توان از دو منظر عملی و نظری به آن نگاه کرد. از منظر عملی هیئت‌ها باید متکفل برخی امور خانواده، مانند واسطه‌گری در ازدواج، ارائه مشاوره، کمک در تهیه جهیزیه و دیگر امور مربوط به تسهیل ازدواج باشند و می‌توان درباب چگونگی انجام این امور سخن گفت؛ از منظر نظری نیز ارتباط هیئت و خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد. در این منظر، هیئت‌ها نسبت و تناسب خود را با خانواده فهم می‌کنند و در این مسیر روشن می‌شود که این تعیین تکلیف ویژه رهبر انقلاب علیه‌السلام برای مداحان و هیئت‌ها، عمق راهبردی و معرفتی دارد. درحقیقت رابطه میان هیئت



و خانواده، مسئله‌ای ذوقی و بی مبنا یا طرح خودساخته بشری نیست؛ بلکه برآمده از آیات و روایات ماست.

اهمیت سطح معرفتی و نظری از آن روی است که مقابله با زوایای پنهان توطئه دشمن علیه خانواده، نیازمند عمق راهبردی است تا بتوانیم مطابق آن در نظام کاربردی، برنامه‌ریزی کنیم. اگر در نگاه به مسئله خانواده، عمق مسئله شناخته نشود، برنامه‌هایی سطحی خواهیم داشت که یا با آن عمق، ارتباطی ندارد یا از آن، بهره کافی نبرده است؛ بنابراین ممکن است این برنامه‌ها در گذر زمان تغییر پیدا کند. اما اگر عمق مسئله و رابطه‌های عمیق آن - چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریح^۱ - شناخته شود، این شاءالله می‌توانیم طرح مفیدی داشته باشیم و نظام کاربردی خوبی را برنامه‌ریزی کنیم.

اگر این فرمایش رهبر معظم انقلاب علیه السلام را فرمایشی مناسبی در نظر بگیریم، برای مدتی، شوروهیجان و احساسات باعث می‌شود، هیئت‌ها و مداحان به این موضوع بپردازند و پس از آن، این موج فروکش می‌کند و مسئله به فراموشی سپرده می‌شود؛ اما اگر عمق راهبردی این توصیه و تکلیفی که ولی فقیه مشخص کرده‌اند، در جامعه تبیین شود و هیئت‌ها بدانند که چه رابطه عمیقی میان نهاد هیئت و نهاد خانواده وجود دارد، این نکته عمیقاً فهمیده و روشن می‌شود که چرا ایشان برای حل مسئله خانواده، هیئت‌های مذهبی و مداحان را مخاطب قرار داده‌اند.

برای بهتر دیده شدن این عمق راهبردی، از چند زاویه می‌توان ورود کرد که هر کدام، تنه و شاهراهی است که شاخه‌های فرعی و ثمرات زیادی بر آن مترتب می‌شود. یکی از این زاویه‌ها، رویکرد معرفتی قرآن و روایات است که مدنظر ماست. نکاتی که در نگاه قرآنی و روایی بحث بیان خواهد شد، نکات بسیار دقیقی است که در بالاترین سطح از معارف ما و در آیات و روایات مطرح شده است؛ ولی کمتر به آن‌ها توجه

۱. مراد از نظام تکوین، همان عالم خلقت و هستی و قوانین حاکم بر آن است؛ و مراد از نظام تشریح، اوامر و نواهی خداوند نسبت به موجودات مختار است که عمل به آن‌ها، باعث همسو شدن انسان با کل هستی می‌شود. ریشه‌های عمیق بحث خانواده، در نظام تکوین و نظام تشریح نیز وجود دارد.



کرده‌ایم. این نکات، نگاه ما به موضوع خانواده و نقش هیئت در مسئله خانواده را تغییر خواهد داد.

اگر این باور و عمق نسبت به مسئله خانواده، در قشر فرهیخته ما پیدا شود، سبب می‌شود که در تبلیغ مباحث و مسائل خانواده و در ضرورت طرح این بحث در ظرف هیئت، با یقین و اطمینان، برنامه‌ریزی، سخنرانی و مداحی کنند؛ اما اگر این عمق و عقبه کار برای آن‌ها روشن نباشد، موضوع خانواده را اعتبار و قراردادی می‌بینند که چندان جدی نیست و این تکلیف، صرفاً به‌طور تعبدی دنبال می‌شود.

پس موضع اصلی کار ما باید حول محور توجه دادن و تعمیق نگاه خواص اهل ایمان شکل بگیرد. در درجه اول، سخنرانان، مداحان، برنامه‌ریزان هیئت‌های مذهبی و برنامه‌ریزان حوزه خانواده و در درجه بعد، مخاطبان هیئت‌ها باید به این بحث توجه کنند و به این شناخت عمیق دست یابند تا این یقین در آن‌ها ایجاد شود. پس از این ا فشار، لازم است که این بحث در جامعه جریان یابد و به آن توجه شود؛ چراکه اگر این نگاه، این‌گونه سطح به سطح منتشر شد، دائماً ثمر می‌دهد و نتیجه‌بخش می‌شود؛ ﴿ثُمَّ أَكْمَلَ كُلَّ حِينٍ يَا ذَن زَيْهَا﴾^۱.

برای تبیین این مباحث در میان اهل هیئت، باید این دو لایه را از هم تفکیک کنیم: لایه اول، تبیین برای کسانی است که می‌خواهند مبتین این بحث باشند و باید عمق یقینی پیدا کنند؛ یعنی افرادی مانند سخنرانان، مداحان، شاعران و... که باید عمیقاً این معارف را باور کنند؛ لایه دوم، شامل مخاطبان و مردم می‌شود که البته بیان این عمق، برای آن‌ها ضرورتی ندارد و باید به اندازه نیاز و بیشتر با نگاه کاربردی، مباحث خانواده را به آن‌ها انتقال داد؛ ولی خود گوینده و مبلغ، باید معرفت و یقین عمیقی یافته باشد تا همان مطالب کاربردی و ساده، از اعتقاد او سرچشمه بگیرد و برای مردم اثرگذار شود؛ بنابراین لازم است در لایه اول، عمق نگرش اسلام به خانواده و جایگاه آن تبیین شود.

۱. «هر زمان، به اذن پروردگارش، میوه خود را می‌دهد» (ابراهیم: ۲۵).





گفتار اول

حقیقت و مراتب خانواده؛

از رحم جسمانی تا رحم رحمانی